

📌 **در دام دوگانه‌های غیравیل:**

آرمان‌گرایی—واقع‌گرایی

با توجه به بحث‌هایی که در بالا درباره مفاهیم آرمان ایده و نسبت آنها با واقعیت انجام شد، می‌توان گفت دوگانه آرمان‌گرایی–واقع‌گرایی که مبتنی بر تقابل «آرمان – واقعیت» شکل گرفته، دوگانه‌ای جعلی و بی‌اساس است. مسأله آن نیست که در این دوگانه، آرمان به مثابه امر غیرواقع در نظر گرفته می‌شود زیرا چنین تعریفی می‌تواند درست باشد؛ بلکه مشکل آنجاست که آرمان هم‌ردیف با توهم و تعینی بوج در نظر گرفته می‌شود که از اساس «امکان» ندارد. بنابراین دوگانه «نظام سیاسی آرمان‌گرا توجهی به واقعیت ندارد، چشم به روی آن بسته و در مسیری وهم‌آلود اهداف دست‌نیافتنی و محال را دنبال می‌کند؛ اما نظام سیاسی واقع‌گرا، چشم بر واقعیت نمی‌بندد و سنجیده رفتار می‌کند. فرض کنیم که چنین دوگانه‌ای درست باشد و بتوان شیوه عمل درباره مسائل مورد مواجهه را بر اساس این دوگانه به این صورت تعیین تکلیف کرد که کدام شیوه واقع‌گرایی است و کدام یک آرمان‌گرایی؛ در این صورت آیا واقعا می‌توان گفت که شیوه عمل جمهوری اسلامی در مسأله فلسطین، به این صورت بوده که توجهی به واقعیت نداشته، چشم به روی آن بسته و در مسیری وهم‌آلود، اهداف دست‌نیافتنی و محال را دنبال کرده است؟ شاید به جای پاسخ مثبت یا منفی دادن به این سؤال مناسب‌تر باشد پیوستاری را در نظر بگیریم که دو سر آن را واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی به‌عنوان دو رویکرد متقابل تشکیل داده باشد؛ در این صورت در این پیوستار آیا شیوه عمل جمهوری اسلامی در مسأله مورد اشاره به واقع‌گرایی بیشتر بوده یا به آرمان‌گرایی (در معنای فرضی توهم‌گرایی)؟ حال با صرف نظر کردن از چنین فرضی، باید گفت که البته آرمان و واقعیت در مقابل یکدیگر قرار نمی‌گیرند؛ بلکه در یک راستا بوده و به‌صورت درهم تنیده به هم پیوند می‌خورد اما این پیوند از چه جنسی است و چگونه شکل می‌گیرد؟ پاسخ را باید در عبارت واقعیت‌آفرینی جست‌و‌جو کرد.

📌 **مسأله فلسطین: از آرمان‌گرایی تا واقعیت**

آرمان‌گرایی اگر تکویم در زبان فارسی اما حداقل در ادبیات رهبران سیاسی جمهوری اسلامی به معنای واقعیت‌آفرینی است؛ آفریدن واقعیت یعنی تلاش برای جامعه عمل پوشاندن؛ بر چه چیز؟ بر چیزی که هنوز وجود ندارد اما متعین است یا حداقل یک تعین اولیه دارد. وجود نداشتنش به معنای عدم امکانش نیست؛ به معنای محال بودنش نیست. مفهوم دقیق‌تر آرمان‌کاری در جمهوری اسلامی نصب‌العین است؛ یعنی نقطه‌ای که به‌عنوان هدف در پیش‌رو قرار می‌گیرد و همواره رسیدن به آن مد نظر است. آرمان فلسطین برای جمهوری اسلامی نیز در همین معنا پیش رفته است؛ نصب‌العینی که در یک مسیر کلی به‌سوی آن در حرکت بوده است و نه در توقف. به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی تمام مناسبات مرتبط با این آرمان را به گونه‌ای شکل داده تا در نهایت واقعیتی را بیافریند که نماینده آرمان به‌وقوع پیوسته باشد. با این‌که شاید بتوان آرمان‌های دیگری را برای جمهوری اسلامی یافت که نتوانسته در راستای پیش‌روی آنها حرکت مؤثری داشته باشد اما به جرات می‌توان گفت که مواجهه جمهوری اسلامی با مسأله فلسطین در یک خط زمانی مشخص حداقل تا زمان کنونی مواجعه‌ای رو به جلو بوده است. مهم نیست که حامی جمهوری اسلامی باشیم یا مخالف آن؛ در هر صورت کمتر کسی هست که تردیدی در این گزاره داشته باشد که بانی اصلی برجسته کردن مسائل فلسطینیان در جهان جمهوری اسلامی بوده است. نشانه روشن این مسأله هم ذهنیتی بود که پس از آغاز درگیری اخیر میان حماس و اسرائیل در روز ۷ اکتبر در تمام جهان شکل گرفت؛ بدون آن‌که نشانه یا سندی مبنی بر مداخله جمهوری اسلامی در عملیات طوفان الاقصی وجود داشته باشد، همه تقریباً مطمئن بودند که کار، کار جمهوری اسلامی است! هرچقدر هم که واقعیات میدانی و مواضع طرفین در جهت خلاف این گزاره بود اما بازهم نگاه‌ها به جمهوری اسلامی طوری بود که انگار امکان ندارد چنین اقدامی بدون اطلاع ایران صورت گرفته باشد. بنابراین جمهوری اسلامی در مسأله فلسطین واقعیت‌آفرینی کرد و به نظر می‌رسد که تعریف مطلوب از آرمان‌گرایی نیز همین است. اگر بخواهیم دقیق‌تر مشخص کنیم که چگونه، شاید بتوان گام‌های زیر را متناظر با کلیتی از مصادیق آنها در نظر گرفت. بدیهی است جدول زیر تنها یک احصای کلی و مختصر برای استفاده خوانندگان است و محتوای آن قابل تدقیق و قابل تفصیل است. حال شاید بتوان با چنین رویکردی در آرمان‌های به وقوع پیوسته یا ناموفق دیگر نیز بار دیگر نگرست و بی‌برد که چرا آنها نتوانسته‌اند پیش روند.



📌 **چگونه جمهوری اسلامی توانست در مسأله فلسطین واقعیت‌آفرین باشد؟**

آرمان‌گرایی جمهوری اسلامی عین عمل‌گرایی است! اگر قرار باشد مفهوم آرمان‌گرایی را در جمهوری اسلامی مورد مطالعه قرار دهیم، بهترین و در دسترس‌ترین کار تمرکز روی مواردی است که به‌عنوان آرمان شناسایی و تعیین شده‌است. حمایت از فلسطین و آزادسازی قدس از جنگ اسرائیل یکی از این آرمان‌هاست. در جمهوری اسلامی آرمان به معنای توهم یا خیال خام نیست؛ زیرا می‌توان برای هر آرمان معین مجموعه‌ای از اقدامات را در طول چند دهه فهرست کرد و صورت‌بندی مشخصی از آنها ارائه داد. این گزاره البته بدین معنا نیست که نظام سیاسی در پیشبرد آرمان‌هایش همواره موفق بوده یا نتوانسته بسیاری از آنها را تحقق بیشد؛ بلکه فکر کردن به جنس آرمان‌گرایی جمهوری اسلامی از آن جهت مهم است که بدانیم آرمان‌ها چه تأثیری بر پیگیرندی مناسبات نظام سیاسی و تحولات پیش‌روی آن داشته‌است؟ به عبارت دیگر اگر این آرمان‌ها نبود نظام سیاسی چه شکلی داشت و چگونه بود و حالا که هست وضعیت چه فرقی کرده است. لازم به تأکید است که نگارنده در این متن در نقطه‌ای نایستاده که بخواهد از جمهوری اسلامی تعریف کند یا نگاهی ارزش‌گذارانه به آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی در جمهوری اسلامی داشته باشد؛ هدف صرفاً مطالعه‌ای توصیفی

است در این راستا که دقیق‌تر بدانیم با چگونه نظام سیاسی مواجه هستیم. ایده، واژه ایده که علی‌الظاهر نخستین بار از زبان یونانی به زبان‌های انگلیسی و آلمانی رفته و به‌ویژه در زبان آلمانی در نظریات کسانی همچون کانت، فیشرنه، هگل و دیگران برجسته شده به‌تدریج به ادبیات سیاسی نیز راه پیدا کرد و امروزه در عرصه سیاسی شکل‌دهنده مکتب «ایده‌آلیسم» است؛ مکتبی که دارای نظام معنایی مشخص است. ایده‌آلیسم سیاسی؛ ایده‌آلیسم سیاسی که ریشه‌های آن را می‌توان در آثار افلاطون و ارسطو در مباحث نظر مبتنی بر اخلاق سیاسی و خیر عمومی جست‌وجو کرد و در عصر روشنگری در قرن‌های هفدهم و هجدهم زمینه‌های آن برای تبدیل شدن به یک رویکرد سیاسی شکل گرفت، پس از جنگ جهانی که اول به‌عنوان یک رویکرد پدیدار شد که بر مواردی همچون اصول اخلاقی، ترویج صلح، حقوق بین‌الملل، مداخله بشردوستانه و صلح و همکاری تأکید داشت و به همین خاطر رویکردی خوشبینانه محسوب می‌شد. در همین زمان بود وودرو ویلسون رئیس‌جمهور آمریکا به‌عنوان یکی از مدافعان برجسته ایده‌آلیسم سیاسی، تأسیس جامعه ملل را پیشنهاد داد و سازمانی بین‌المللی را پیش‌بینی کرد که بتواند از طریق امنیت جمعی و دیپلماسی از درگیری‌های آینده جلوگیری کند. نهادهی که از همان ابتدا با چالش‌هایی مواجه بود و در نهایت نتوانست از جنگ جهانی دوم جلوگیری کند و از بین رفت. این شکست البته مقدمه‌ای برای تأسیس سازمان ملل متحد به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی جدید بود که همین نهاد جدید هم اکنون در پیشگیری از جنگ‌ها و تنش‌های جهانی چندان کارآمد نبوده است. پس از نظر علمی ایده‌آل‌گرایی در سیاست مبتنی بر اصول ذکرشده شناخته می‌شود و نظام‌های سیاسی مبتنی بر لیبرالیسم نیز به‌نوعی

مد نظر است.

در ادبیات رهبران سیاسی انقلاب اسلامی، واژه «آرمان» یکی از واژگان کلیدی مهم و نسبتاً پرتکرار محسوب می‌شود. هم بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی و هم رهبر کنونی انقلاب، آیت‌ا... خامنه‌ای در پیام‌ها و سخنان خود به مناسبت‌های مختلف از این واژه استفاده کرده‌اند؛ شاید در سال‌های آغازین جمهوری اسلامی، هنوز مفهوم این واژه و اراده از به‌کارگیری آن برای مردم و نخبران روشن نبود. احتمالاً همین ابهام نیز سبب شد تا «ایده‌آلیسم» از سوی افراد و جریان‌های ناهمسو به‌عنوان معادلی غالباً منفی برای آرمان‌گرایی در نظر گرفته شود. به لطف برخی مترجمان، ناکاربرد ایده‌آلیسم سیاسی رایج در ایران کاملاً معنایی متفاوت با مفهوم علمی آن دارد و این خلط فضا میان فضای عامیانه با فضای علمی سبب شده تا برای مثال نظام‌های سیاسی لیبرال – دموکراسی آمریکا و نظام کمونیستی شوروی سابق هر دو در چارچوب با ایده‌آلیسم سیاسی قرار گیرد؛ غافل از این‌که ظاهر این عبارت برای هر دو یکی است اما تفاوت محتوا زمین تا آسمان است.

آیا جمهوری اسلامی برای تحقق بخشیدن آرمان واقع فلسطین تلاش کرده است؟ آیا آرمان فلسطین به جهان نسبت به قبل برجسته‌تر و پرنگ‌تر شده است؟ آیا جمهوری اسلامی در برجسته‌سازی آرمان یک فلسطین در جهان نقش پررنگی داشته است؟ آیا دنبال کردن آرمان فلسطین از سوی جمهوری اسلامی باعث تغییر در مناسبات ژئوپلیتیکی منطقه و جهان شده است؟ آیا حمایت جمهوری اسلامی از آرمان فلسطین تنها وهمی بیش نبوده یا این‌که نمودهای عینی و میدانی داشته است؟ آیا آرمان فلسطین در جهان با جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود یا خیر؟

به نظر می‌رسد که عبارت شکست «آرمان» حداقل درباره جمهوری اسلامی چندان صدق نمی‌کند؛ بلکه «شکست تلقی از آرمان» شاید عبارت دقیق‌تری باشد. روشن‌ترین مثالی که می‌توان در این باره زد، آرمان «صدور انقلاب» است که در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب برجسته بود و در مقطعی گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی را شکل می‌داد.

دوگانه «آرمان‌گرایی–واقع‌گرایی» که مبتنی بر تقابل «آرمان– واقعیت» شکل گرفته، دوگانه‌ای جعلی و بی‌اساس است. مسأله آن نیست که در فضای این دوگانه آرمان به‌مثابه امر غیرواقع در نظر گرفته می‌شود، زیرا چنین تعریفی می‌تواند درست باشد؛ بلکه مشکل آنجاست که آرمان هم‌ردیف با توهم و تعینی بوج در نظر گرفته می‌شود که از اساس «امکان» ندارد. آرمان‌گرایی اگر تکویم در زبان فارسی اما حداقل در ادبیات رهبران سیاسی جمهوری اسلامی به معنای واقعیت‌آفرینی است؛ آفریدن واقعیت یعنی تلاش برای جامعه عمل پوشاندن؛ بر چه چیز؟ بر چیزی که هنوز وجود ندارد اما متعین است یا حداقل زمان یک تعین اولیه دارد. وجود نداشتنش به معنای عدم امکانش نیست؛ به معنای محال بودنش نیست. مفهوم دقیق‌تر آرمان‌گرایی در جمهوری اسلامی «نصب‌العین» است؛ یعنی نقطه‌ای که به‌عنوان هدف در پیش‌رو قرار می‌گیرد و همواره رسیدن به آن مد نظر است.

در حیطه کلی نظام‌های سیاسی ایده‌آلیستی قرار می‌گیرند. روشن است که چنین چارچوب معنایی کاملاً متفاوت است با ادراک عامیانه از ایده‌آلیسم که به‌طور پررنگ نیز در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای جریان‌های ناهمسو دیده می‌شود؛ ادراکی که سرشار از مغلطه‌ها، کج‌فهمی‌ها و نافهمی‌هاست.

📌 **تفاوت‌های آرمان‌گرایی با ایده‌آلیسم**

شاید به‌عنوان مقدمه مناسب باشد که بحثی درباره مفهوم «آرمان» در ادبیات انقلاب اسلامی و ترجمان عینی آن در نظام سیاسی برآمده از این انقلاب در پیش کشید. اگرچه تا همین امروز نیز در ادبیات سیاسی رایج عبارت «آرمان‌گرایی» و «ایده‌آلیسم» گاه معادل در نظر گرفته می‌شود، اما روشن است که به‌دلیل پیچیدگی‌های زبانی و تفاوت ویژگی‌های ادراکی و زبستی اهالی هر زبان نمی‌توان به‌سادگی آنها را معادل هم دانست. اما همچون بسیاری از واژگان وارده به زبان فارسی و مفاهیم معطوف به آنها درباره ایده و ایده‌آلیسم نیز سوءتفاهم‌هایی به وجود آمده است.

ایده‌آلیسم سیاسی در معنای اصلی خود دیدگاهی سیاسی در روابط بین‌الملل است که رئالیسم سیاسی در تقابل با آن قرار می‌گیرد اما در ادبیات سیاسی

مکت

آیا جمهوری اسلامی در آرمان‌هایش شکست خورده است؟

ممکن است تشخیص یا بخشی از اقدامات هر نظام سیاسی در راستای تحقق هر آرمان معین اشتباه بوده باشد؛ اما در هر حال حداقلی‌ترین تفاوت میان آرمان‌گرایی و خیال‌پروری، کنش است؛ به محض این‌که بتوان کنشگری مشخصی را به هر آرمان مشخص متناظر کرد، از وهم فاصله گرفته‌ایم و پای به عرصه واقعیت نهاده‌ایم. با فاصله گرفتن از فضای نظری می‌توان این پرسش را طرح کرد که پیروزی فلسطین و آزادسازی قدس از حصار رژیم اشغالگر به‌عنوان یکی از آرمان‌های جمهوری اسلامی اکنون چه وضعیتی دارد؟ در اینجا سعی بر آن است تا به‌جای پاسخ مستقیم با طرح سؤال‌هایی بیشتر، مقدمات تحلیل و رسیدن به پاسخ در ذهن مخاطبان فراهم شود؛ آیا جمهوری اسلامی برای تحقق بخشیدن آرمان فلسطین تلاش کرده است؟ آیا آرمان فلسطین در جهان نسبت به قبل برجسته‌تر و پررنگ‌تر شده است؟ آیا جمهوری اسلامی در برجسته‌سازی آرمان فلسطین در جهان نقش پررنگی داشته است؟ آیا دنبال کردن آرمان فلسطین از سوی جمهوری اسلامی باعث تغییر در مناسبات ژئوپلیتیکی منطقه و جهان شده است؟ آیا حمایت جمهوری اسلامی از آرمان فلسطین تنها وهمی بیش نبوده یا این‌که نموده‌ای عینی و میدانی داشته است؟ آیا آرمان فلسطین در جهان با جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود یا خیر؟ فکر کردن به این پرسش‌ها و یافتن پاسخ‌هایی برای آنها می‌تواند به شناخت جنس آرمان‌گرایی جمهوری اسلامی کمک کند. ممکن است این سؤال در ذهن مخاطب پیش آید که چرا قرار است با تمرکز بر آرمانی که به‌طور نسبی در مسیر تحقق پیشروی داشته به جنس آرمان‌گرایی جمهوری اسلامی پی ببریم؟ چرا آرمان‌هایی را که پیشروی نداشته یا مثلاً شکست خورده است، مورد توجه قرار ندها‌ایم؟

| ردیف | نگاه‌های پیشبرد آرمان | مصادیق |
|------|--|--|
| ۱ | طرح آغازین مساله و تعیین‌بخشی به مساله فلسطین به‌عنوان یک آرمان مبارزاتی | پیام‌ها، سخنرانی‌ها و نامه‌های امام خمینی(ره) و سایر فعالان فکری انقلاب نظیر شهید مطهری در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و تأکید بر حمایت از مسلمانان مظلوم فلسطین |
| ۲ | مشروعیت‌بخشی به آرمان مبارزاتی فلسطین به‌عنوان یک اصل اساسی در حیات سیاسی جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی | تداوم شعارهای قبل از پیروزی انقلاب در حمایت از مردم فلسطین در مناسک و آیین‌های سیاسی و اجتماعی پس از روی کار آمدن نظام سیاسی جمهوری اسلامی؛ ترسیم خط سیر تحولات آینده جمهوری اسلامی با گزاره «راه قدس از کرپا می‌گذرد» |
| ۳ | تلاش برای تبیین «حمایت از فلسطین» به‌عنوان یک ضرورت مذهبی برای مسلمانان جهان | تعیین روز جهانی قدس از سوی امام‌خمینی(ره)؛ تبیین آرمان فلسطین توسط فعالان فکری و سیاسی جمهوری اسلامی، از جمله آیت‌ا... خامنه‌ای، شهید بهشتی و ... |
| ۴ | وارد کردن مساله فلسطین به فرهنگ سیاسی و اجتماعی مردم ایران | زمینه‌سازی برای تألیف، ترجمه و چاپ کتب و نشریات متعدد درباره مساله فلسطین و اشغالگری اسرائیل |
| ۵ | وارد کردن مساله فلسطین به‌عنوان یک مؤلفه موثر بر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی | بهرسمیت‌نشناختن اسرائیل به‌عنوان یک کشور در مناسبات بین‌المللی از جمله در مناسبات سیاسی، اقتصادی و ورزشی و تأکید بر حمایت از فلسطین در مواضع سیاسی و بین‌المللی |
| ۶ | شکل‌دهی تحولات میدانی و توان نظامی جبهه مقاومت با محوریت آزادی | زمینه‌سازی برای شکل‌گیری و حمایت از جبهه‌های مقاومت در کشورهای یمن، سوریه، عراق، لبنان و فلسطین |

رسانه‌ای ایران نوعی تلقی عامیانه از کلمه «ایده‌آل» شکل گرفته و مدام مورد استفاده قرار می‌گیرد که تقریباً هیچ سختی با مفهوم علمی ایده‌آلیسم ندارد. به لطف برخی مترجمان ناکاربلد، ایده‌آلیسم سیاسی رایج در ایران کاملاً معنایی متفاوت با مفهوم علمی آن دارد و این خلط فضا میان فضای عامیانه با فضای علمی سبب شده تا برای مثال نظام‌های سیاسی لیبرال دموکراسی آمریکا و نظام کمونیستی شوروی سابق هر دو در چارچوب ایده‌آلیسم سیاسی قرار گیرد؛ غافل از این‌که ظاهر این عبارت برای هر دو یکی است اما تفاوت محتوای زمین تا آسمان است.

در معنای عامیانه، ایده‌آل‌گرا بودن با معناهای تحریف‌شده‌ای همچون خیال‌پروری، رویا‌پروری، واقع‌نابینی و ... هم‌ردیف است و وقتی هم مشتقاتی از آن ساخته می‌شود ادامه‌ای از همین معانی است؛ حجم قابل توجهی از ادبیات سیاسی تولیدشده از سوی جریان‌های ناهمسو با جمهوری اسلامی در همین معنا از این کلمه و مشتقاتش استفاده کرده‌اند

و استناد مستقیم و غیرمستقیم این دسته برای توصیف نظام سیاسی به واژه «آرمان» بوده است. اما سؤال اینجاست که آن معناهای تحریف‌شده تا چه اندازه می‌تواند هم‌ردیف کلمه آرمان قرار گیرد و آرمان‌گرایی رهبران سیاسی جمهوری اسلامی دقیقاً

که انضلاب ایران برآمده از مکتب جهانشمول اسلام است و می‌تواند به مرزهای جغرافیایی ایران محدود شود و نیز به این دلیل که ایدئولوژی انقلاب اسلامی متمایز از ایدئولوژی‌های «شرقی» و «غربی» است «ابلاغ پیام اسلام و انقلاب به گوش جهانیان» به‌عنوان یک رسالت مورد توجه قرار گرفت؛ رسالتی که در مرکز آن حمایت از محرومین و مظلومین عالم قرار داشت و گاه حتی ممکن بود به جنبه‌های فرهنگی محدود نباشد و زور، خشونت و نظامی‌گری را نیز دنبال کند. چنین رویکرد سختی البته به مرور با روی کار آمدن دولت‌هایی با گفتمان‌های متفاوت تعدیل شد و جنبه‌های جدید و متنوعی به خود گرفت. در مجموع و به‌طور خلاصه می‌توان گفت اتفاقی که برای «آرمان صدور انقلاب» افتاد، «شکست» که «تکامل» بود. اگرچه اصل آرمان جهشتان وجود دارد اما مسیری که از ابتدا تاکنون پیموده از نظر سیر مفهومی و به تبع از نظر کنش‌برانگیزی پرفراز و نشیب و پرجالش بوده است. صورت دوم پاسخ به وجه اثباتی «موجود» برمی‌گردد؛ به این معنا وقتی پدیده‌ای موجود می‌شود، «امکان» را معنادار می‌کند و اگر فرض کنیم که از بین صد آرمان، تنها یکی پیشروی نسبی داشته باشد، ۹۹ آرمان دیگر همگی شکست بخورند. بازهم توجه به «امکان» پیشروی نسبت به عدم امکان ۹۹ آرمان دیگر اولویت پیدا می‌کند. بنابراین حتی اگر فرض بگیریم که جمهوری اسلامی جز در آرمان فلسطین در هیچ‌کدام از آرمان‌های دیگر پیشروی نداشته بازهم مطالعه چگونگی این پیشروی از آن احتملاً ارجحیت خواهد داشت؛ حتی اگر قصد آن باشد تا علل عدم پیشروی همه آرمان‌های دیگر مشخص شود، بازهم احتمالاً چنین اقدامی با کالبدشکافی یک آرمان موفق و اتخاذ رویکرد مقایسه‌ای منطقی‌تر است.